

## مؤلفه‌های قدرت نرم در الگوی اقتصاد مقاومتی

فرزانه دشتی\*، سیدسامر پوردانش\*\*، حدیث باقری‌نیا\*\*\*، محمدباقر مکرمی‌پور\*\*\*\*

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۶

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

### چکیده

اقتصاد مقاومتی مفهومی است که به دنبال مقاوم‌سازی، اصلاح ساختارها و نهادهای قدیمی و ناکارآمدی اقتصاد موجود بیان می‌شود، که به یقین تحقق آن مستلزم به حضور پویا و مشارکت فعال عموم و اعمال مدیریت‌های مهندسی‌شده و کارآمد می‌باشد. اقتصاد مقاومتی به دنبال عدم وابستگی‌ها، تأکید بر فرصت‌ها و امتیازات تولید داخلی و استقلال و خودکفایی اقتصادی است. پژوهش پیش‌رو در پی مفهوم‌یابی قدرت نرم با تأکید بر مؤلفه‌های آن در الگوی اقتصاد مقاومتی است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است. هم‌چنین سؤال اصلی این پژوهش این است: «مؤلفه‌های قدرت نرم در الگوی اقتصاد مقاومتی برای فائق‌آمدن بر مشکلات و نابسامانی‌های اقتصادی در دو عرصه داخلی و بین‌المللی کدامند؟». یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد؛ مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم اقتصاد مقاومتی از منظر عوامل اقتصادی (تثبیت نرخ ارز، ثبات قیمت‌ها، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، مبارزه با فساد و تضمین شفافیت)، عوامل اجتماعی (مردمی‌سازی اقتصاد، کاهش تنش‌های اجتماعی، حمایت از کارآفرین و سرمایه‌گذار)، عوامل فناورانه (حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، استفاده و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، توسعه تحقیقات دانش‌بنیان) می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد مقاومتی؛ قدرت نرم؛ تحریم‌های اقتصادی؛ شفافیت؛ فناوری.

\* نویسنده مسئول: استاد مدعو، دکتری علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، آبادان، ایران Farzanehdashti30@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

Samerpoordanesh1993@gmail.com

\*\*\* دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

Hadisbagherinia@mail.um.ac.ir

\*\*\*\* دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران Bagher.mokarami@ut.ac.ir

۱. در راستای عملیاتی کردن اقتصاد مقاومتی این دولت است که به‌عنوان نهاد حاکمیتی با وضع قوانین مناسب می‌تواند شرایط را به‌گونه‌ای هماهنگ با آن تغییر دهد. لذا تسهیل‌گری، ظرفیت‌سازی و بسترسازی‌های لازم توسط دولت صورت می‌پذیرد. به دیگر سخن تحقق و اجرای اقتصاد مقاومتی در ساختاری همگون امکان‌پذیر است. بنابراین باید اصلاح‌سازمان‌ها و نهادهای دولتی متناسب و همگام با الزامات اقتصاد مقاومتی در جهت شکل‌گیری اقتصاد مردم‌محور مدنظر قرار گیرد.

## مقدمه

از آنجایی که وقوع انقلاب اسلامی ایران تحولی عظیم در منطقه و جهان ایجاد کرد، رهبر انقلاب با هدف والای استمرار حکومت انبیاء با ملتی آگاه، نظام مقدس جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک الگو مناسب و مطابق با فطرت بشر و بر پایه شعار نه شرقی نه غربی بنا نهاد. به‌طوری‌که با شنیده شدن پیام انقلاب اسلامی در نقاط مختلف جهان و وحشت از تهدید منافع نظام سلطه در سطح جهان، مقابله با آن به شکلی سخت، امر طبیعی بود. اما به زودی دشمنان دریافتند که آن چه باعث پیروزی انقلاب اسلامی در مقابله با تهدیدات و جنگ سخت بود، مؤلفه‌های قدرت نرم نظام که برگرفته از اسلام ناب محمدی است، می‌باشد (جمشیدیان و بخش میدانی، ۱۳۹۴: ۱۱۶). بنابراین در همین راستا، فضای اقتصادی ایران نیز رویدادهای ویژه و منحصر به فردی را شاهد بوده که وقوع برخی از آن‌ها تاکنون در دنیا سابقه نداشته است. از این‌رو زمانی که شرایط ویژه و بدون الگویی به‌وجود می‌آید، ضرورت نوآوری و ایده‌پردازی از سوی صاحب‌نظران برای برطرف کردن چالش‌های اقتصادی ضرورت می‌یابد. به‌همین‌سان در طول چند سال گذشته کمتر مفهومی در اقتصاد به اندازه مفهوم اقتصاد مقاومتی برجستگی یافته و مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است. اقتصاد مقاومتی واژه‌ای است که برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ توسط مقام معظم رهبری به ادبیات اقتصادی ایران افزوده شد.

از نظر ایشان، «احتیاج ما به اقتصاد مقاومتی بیش از دیگر کشورهاست. ما بیشتر احتیاج داریم که اقتصاد خودمان را مقاوم‌سازی کنیم. اولاً به‌همان دلیل مشترک بین ما و دیگر کشورها ما به اقتصاد جهانی مرتبطیم، بنابراین ارتباط هم داریم. ما قصد جدا شدن از اقتصاد جهانی را به‌هیچ‌وجه نداریم و در شرایط کنونی دنیا نمی‌توان هم داشت؛ بنابراین متأثر می‌شویم از آن‌چه در دنیا در اقتصادهای جهانی اتفاق می‌افتد. ثانیاً خصوصیت و ویژگی‌هایی است که ما داریم؛ ما به‌خاطر استقلال‌مان، به‌خاطر عزت‌مداری‌مان، به‌خاطر اصرارمان بر تحت‌تأثیر سیاست‌های قدرت قرار نگرفتن، مورد تهاجم و سوءنیت هم قرار داریم؛ یعنی نسبت به ما انگیزه‌های مخالفت و کارشکنی، اشکال‌تراشی و ایجاد مشکل بیش از بسیاری از کشورهای دیگر است، بنابراین ما بیشتر بایستی اهتمام بورزیم به اینکه پایه‌های اقتصادی را محکم کنیم و اقتصادمان را مقاوم‌سازی کنیم، نگذاریم وضعیتی وجود داشته باشد که با حوادث و تکانه‌های ناگزیر و یا

سوء نیت بتواند در اقتصاد ما اثر بگذارد. بنابراین ما به این نیاز داریم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

هدف از این نوع اقتصاد، احیاء و بازسازی اقتصاد ملی است و از آنجایی که در شرایط کنونی، اقتصاد ایران با مشکلات زیرساختی، فراساختی و تحریم‌های گوناگون مواجه بوده، پرداختن به مقوله اقتصاد مقاومتی، امری مهم و ضروری است. از سویی، بیگانگان به سبب مخالفت‌های ذاتی با ایران اسلامی، تلاش دارند تا نسبت به درهم ریختگی اقتصاد ایران، اقداماتی را انجام داده و از این ناحیه، ضرباتی را به ملت ایران وارد کنند. ایران از جمله کشورهایی است که وابستگی بسیار زیادی به درآمدهای نفتی دارد و همواره افزایش یا کاهش قیمت نفت باعث مازاد یا کسری بودجه می‌شود و با توجه به تحریم‌ها و ممانعت از ورود ارز به کشور، اقتضا می‌نماید که با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری این تحریم‌ها را با استفاده از اقتصاد مقاومتی به فرصت تبدیل کرد. بنابراین با استفاده بهینه از منابع و امکانات طبیعی، پرهیز از هر گونه افراط و تفریط، اسراف، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی و مدیریتی کارا و اثربخش مبتنی بر ارزش‌ها، بستر و زمینه تحقق اقتصاد مقاومتی را فراهم آورد. بنابراین هدف اصلی در این پژوهش این است که مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نرم در الگوی اقتصاد مقاومتی کدام‌اند و به دنبال بیان راهکارهایی برای تقویت مؤلفه‌های نرم قدرت در ساخت اقتصاد مقاومتی هستیم. بنابراین از این منظر تلاش نویسندگان مقاله آن است که با بررسی مؤلفه‌های قدرت نرم در حوزه اقتصاد که تاکنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است، به لزوم تقویت این مؤلفه‌ها پرداخته زیرا که منابع، روش‌ها و ابزار قدرت نرم در حوزه اقتصاد نقش محوری در ارتقای بهره‌وری برعهده داشته و موجبات افزایش همبستگی، انسجام، اعتماد و مشارکت ملی و نیز تقویت و افزایش درجه‌ی مشروعیت و کارآمدی حکومت و ثبات سیاسی می‌گردد.

## پیشینه پژوهش

مهم‌ترین پژوهش‌های نگاشته‌شده در این زمینه در قالب جدول ۱ ترسیم شده است:

جدول ۱. پیشینه پژوهش

نویسندگان	اهداف یا سؤالات اصلی	روش	مهم‌ترین یافته‌ها
اخوان و همکاران (۱۳۹۵)	این پژوهش از نظر هدف کاربردی و در اولین گام به گردآوری عوامل تحقق اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است.	روش دیمتل فازی	عوامل اجتماعی، حمایتی، فرهنگی، انسانی، دولتی و سیاسی، فناوری و اقتصادی از عوامل ضروری برای تحقق اقتصاد مقاومتی می‌باشد.
سمیعی‌نسب (۱۳۹۳)	تبیین نظری و عملی تحریم‌های اقتصادی	روش توصیفی - تحلیلی	راهکارهایی در چارچوب تعامل با نهادها و سازمان‌های بین‌المللی حوزه اقتصاد، چگونگی راهکارهای افزایش تعامل اقتصادی با کشورهای هم‌سوی سیاسی، تقسیم وظایف بازیگران مختلف عرصه دیپلماسی اقتصادی تحقق بخش هدف نیل به اقتصاد مقاومتی است
سیف و همکاران (۱۳۹۲)	بررسی چیستی و مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی	روش توصیفی - تحلیلی	قدرت نرم اقتصادی از چه ابعدی در انواع، اهداف، منابع و نتایج برخوردار است؛ تا حوزه‌های قدرت نرم اقتصادی و به‌خصوص حوزه‌های قدرت سخت و نرم اقتصادی بیشتر آشکار شود
حسین‌زاده بحرینی (۱۳۹۲)	آیا می‌شود مفهوم اقتصاد مقاومتی را در حد مقاومت اقتصادی فروکاست؟	روش توصیفی - تحلیلی	اقتصاد مقاومتی، اقتصادی است راهبردی و استراتژیک که در شرایط متغیر برای رسیدن به سطوح عالی

نویسندگان	اهداف یا سؤالات اصلی	روش	مهم‌ترین یافته‌ها
			اقتصاد برنامه مناسب دارد.
قربی و جعفری (۱۳۹۵)	بررسی منابع قدرت نرم ایران در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه	روش تحلیل محتوا با رویکرد کمی	قدرت، بیشترین برجستگی با منابع اقتصادی است
هرسیج و تویسرکانی (۱۳۸۹)	بررسی تأثیر برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های هویت ایرانی بر کارکرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است	روش تحلیلی-توصیفی	هویت جدید ایرانی بیشترین تأثیر را بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارد
میلانی (۱۳۹۴)	بررسی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و رابطه آن با خود باوری ملی	روش توصیفی-تحلیلی	تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی برپایه اقتصاد مقاومتی که منجر به افزایش تولید ملی و بومی‌سازی تکنولوژی صنعتی و مدرن می‌شود
حیدری و قربی (۱۳۹۵)	بررسی مفهومی و معنائشناسانه اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران	روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات اسنادی	اقتصاد مقاومتی صرفاً یک تدبیر اقتصادی کوتاه‌مدت و برای رفع تهدیدات اقتصادی نیست بلکه یک استراتژی بلندمدت می‌باشد که برای هر شرایطی الزامی است

باتوجه به آنچه که ذکر شد از منظر تفاوت موضوعی، باید عنوان کرد که هیچ‌یک از این پژوهش‌های فوق به‌طور وضوح به مفهوم‌یابی قدرت نرم با تأکید بر مؤلفه‌های آن در الگوی اقتصاد مقاومتی نپرداخته‌اند و از حیث نوآوری پژوهش پیش‌رو با تأکید بر نقش اقتصاد برجسته‌کردن نقش قدرت نرم در الگوی اقتصاد مقاومتی میان، منابع، روش‌ها و ابزارهای قدرت نرم، نقش اساسی و مهمی در ارتقای کیفیت و بهره‌وری ایفا می‌کنند.

## مبانی مفهومی

### تعاریف مفاهیم

#### ۱. قدرت:

قدرت به معنای توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور رسیدن به نتایج دلخواه است. برای تحت‌تأثیر قرار دادن رفتار دیگران چندین راه وجود دارد. می‌توان آن‌ها را با تهدید یا اعمال قوه قهریه مجبور به انجام کاری کرد؛ می‌توان با کاربرد منابع اقتصادی دیگران را وادار به تبعیت کرد یا اینکه با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت آن‌ها را جذب و با خود همراه کرد (نای<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۱۶). همواره قدرت به مثابه مهم‌ترین ابزار دستیابی به اهداف مورد توجه دولت‌مردان بوده و هست. برخی نیز بر این عقیده‌اند که قدرت توانایی و ظرفیت انجام کارهاست (گالبرایت، ۱۳۷۱: ۸). به نظر گروهی دیگر قدرت توانایی کسب نتایج دلخواه است (اسپایکمن<sup>۲</sup>؛ ۱۹۴۲: ۱۱). دسته سومی هم اذعان می‌کنند؛ قدرت تأثیرگذاری بر رفتار دیگران است (جاکووالس، ۱۳۷۳: ۱۸ به نقل از فضلی و همکاران: ۱۳۹۷: ۱۲۲). به طور کلی دستیابی به قدرت، دلیل اصلی رقابت‌ها، کشمکش‌ها، نزاع‌ها و نیز شکل‌گیری دسته‌بندی‌ها و پیمان‌های دو یا چند جانبه منطقه‌ای و بین‌المللی است که بر همین اساس نظم اجتماعی و روابط کشورها و انسان‌ها نیز شکل می‌گیرد. قدرت توانایی یک بازیگر را در استفاده از منابع و امکانات در جهت تأثیرگذاری بر رویدادهای بین‌المللی به نفع خود نشان می‌دهد. به همین سبب، برخی قدرت را کلیدی‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل می‌دانند (انعامی علمداری، ۱۳۸۷: ۲۹ به نقل از پیشگاهی فرد و همکاران: ۱۹۲).

#### ۲. قدرت نرم

نکته حائز اهمیت در این پژوهش این است که ابعاد نرم‌افزاری قدرت یا نرم‌افزارگرایی؛ اصطلاحی است که نظریه‌پرداز آمریکایی در زمینه‌ی ضرورت بهره‌گیری ایالات متحده از منابع

۱. Nay

۲. Spaykman

قدرت نرم گرفته شده است. از این رو به لحاظ پیشینه‌ی موضوع، مفهوم قدرت نرم را می‌توان در آثار هانس جی مورگنتا و کلاس کنورو رای کلاین پیگیری کرد.<sup>۱</sup>

از حیث مفهومی، واژه «قدرت نرم» از جمله مفاهیمی است که امروزه در محافل علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان بر آن تأکید زیادی شده است و با وجود داشتن سابقه‌ای کوتاه در متون مکتوب سیاسی و بین‌المللی، منابع و مؤلفه‌های آن مورد کانون توجه بسیاری از سیاست‌مداران و سیاست‌سازان جهانی، به‌خصوص در سال‌های اخیر قرار گرفته که از منظر کلی، قدرت نرم در واقع در برابر قدرت سخت قرار گرفته و دو قطب از یک پیوستار قدرت را شامل می‌شوند. هم‌چنین، بر وجود ایده‌ها، فعل و انفعالات و نهادهای متفاوت برای سیاست خارجی در حوزه‌های سیاست، امنیت و اقتصاد دلالت دارد. راهبردهای معطوف به قدرت نرم در راستای نیل به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بر ارزش‌های سیاسی مشترک و ابزارهای غیرخسونت‌آمیز جهت مدیریت مناقشات و همکاری اقتصادی تأکید دارند. در مقابل، راهبردهای در راستای پیشبرد منافع ملی بر معطوف به قدرت سخت قرار دارد که عموماً مداخله نظامی، دیپلماسی قهرآمیز و تحریم‌های اقتصادی تمرکز دارند و به اتخاذ سیاست‌های تقابلی با کشورهای هدف منجر می‌شوند. قدرت نرم می‌تواند متکی بر جاذبه فرهنگ، ارزش یا توانایی برای تغییر دستورکار انتخاب‌های سیاسی در قالب رفتاری باشد که سبب شود دیگران نتوانند اولویت‌هایشان را به دلیل اینکه بسیار غیرواقعی به نظر می‌رسند مطرح کنند. جوزف نای بر این عقیده است قدرت نرم توانایی این را که با تکیه بر قدرت جذب دیگران، توجه دیگران را به اینکه نتیجه مطلوب شما را بخواهند وادارید، را داراست.<sup>۲</sup>

وی قدرت نرم را توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه، نه اجبار و تطمیع می‌داند و بر آن است که قدرت نرم ناشی از جذابیت فرهنگ، ایدئال‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور است. نای تعریف‌های مختلفی از قدرت نرم ارائه می‌کند که برخی از آن‌ها عبارتند از: توانایی جذب کردن (نای، ۱۳۸۶: ۷۰-۶۸)؛ توانایی شکل‌دادن به ترجیحات دیگران (نای، ۱۳۸۴: ۷۱)؛ توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه؛ توانایی تعیین اولویت‌ها به گونه‌ای که مشروع به نظر

۱. Gill & Huang, ۲۰۰۶: ۶۵

۲. Nye, ۲۰۰۴: ۵

رسیده یا دارای اعتبار معنوی باشد (نای، ۱۳۸۷: ۶۵)؛ قدرت جذب، اقناع و شیفتگی، یک نیروی فرهنگی - اقتصادی، تغییر شکل قدرت از قدرت آمرانه به قدرت متقاعدکننده؛ توانایی تأثیر بر دیگران به نحوی که خواسته شما به خواسته آن‌ها تبدیل شود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۶). ضمناً نکته مهم اینکه جوزف نای در آثار اولیه خود؛ انواع قدرت را شامل سه قدرت نظامی، اقتصادی و نرم تعریف نموده و قدرت اقتصادی را مانند قدرت نظامی، جز قدرت سخت به‌شمار می‌دانسته اما در آثار بعدی خویش، منابع اقتصادی را جز یکی از منابع قدرت نرم محسوب نموده و بر این اعتقاد است که: منابع اقتصادی هم می‌تواند رفتار نرم و هم رفتار قدرت سخت تولید کند (نای، ۱۳۸۹: ۳۲). تعریف کامل قدرت نرم عبارت است از: توانایی تأثیرگذاری بر دیگران از طریق روش‌های مشارکتی، تعیین دستور کار، متقاعدسازی و جذب مثبت به‌منظور به‌دست آوردن نتایج مطلوب (نای، ۱۳۹۰: ۶۵). بدین ترتیب مطابق مباحث گفته شده می‌توان گفت که، قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار بین‌المللی و نفوذ در افکار عمومی داخلی و خارجی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. به این ترتیب، در به‌کارگیری قدرت نرم نتایجی به‌صورت تولید رضایتمندی، تولید اعتقاد، تولید اعتبار و تمکین به‌دست می‌آید (یوسفی، ۱۳۸۷: ۲۰۰). پس ابعاد و مؤلفه‌های قدرت نرم در نظریه نای بیشتر حول عوامل پیشرفت و رشد اقتصادی، فرهنگ اقتصادی، اقتصاد مبتنی بر اطلاعات و فناوری، رفتار پنهان و غیرملموس در اقتصاد، نخبگان اقتصادی، مشارکت مردمی می‌چرخد. ما در این پژوهش بیشتر سعی می‌کنیم که مؤلفه‌های قدرت نرم الگوی اقتصاد مقاومتی را براساس سه مؤلفه کلی اقتصاد مبتنی بر فناوری، اقتصاد مبتنی بر عوامل سیاست‌گذارانه اقتصادی و عوامل اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم.

### ۳. اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی ادبیاتی است که در مقابله با تحریم‌های بین‌المللی مطرح شده است. تا از این رهگذر بتواند بر تحریم‌های بین‌المللی فائق‌آمده و تهدید تحریم را به فرصت تبدیل کند. آن اصول و مبناهایی که اقتصاد ایران باید داشته باشد، ادبیاتی را به نام اقتصاد مقاومتی ایجاد کرده است. در باب چیستی اقتصاد مقاومتی، می‌شود گفت اقتصادی است که برای یک ملت،



حتی در شرایط فشار و تحریم، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم می‌کند (میلانی، ۱۳۹۴: ۶). اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و در پی آن تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارها و تهدیداتی به فرصت است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۱: ۳۱).

اقتصاد مقاومتی به مفهوم شکوفایی اقتصاد رفع مشکلات موجود در زیربخش‌های اقتصادی به‌منظور جلوگیری از امتیازدهی به دشمنان و بهبود سطح رفاه عموم مردم است، چنین اقتصاد مقاومتی باید فعال و پویا باشد نه منفعل و بسته. اقتصاد مقاومتی را می‌توان اقتصادی عنوان کرد که در آن علاوه بر تعامل پویا با دنیای خارج و استفاده از امکانات تجارت آزاد، امنیت اقتصادی کشور حفظ شده و نوسانات محیط بین‌المللی اقتصادی و تهدیدهای آن، کمترین تأثیر سوء را در روند بلندمدت متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد. در یک اقتصاد مقاومتی، نباید تمرکز بیش از اندازه بر روی یک یا چند بخش یا ظرفیت اقتصادی کشور تکیه شود، بلکه باید تلاش شود تا همه ظرفیت‌های اقتصاد به حداکثر بهره‌برداری از توان خود برسند (ناصری و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۸).

اقتصاد مقاومتی، راهکار اقتصادی یک کشور در شرایط خاص است که به تولید و توزیع کالاهای خاص و سرمایه‌گذاری برای کاهش وابستگی به کشورهای - دیگر به‌خصوص کشورهای متخاصم- در شرایط بحرانی می‌پردازد؛ به‌گونه‌ای که اگر نتوانست محصولات اساسی زندگی مردم و کالاهای اساسی آنها را در بازار مبادله از کشورهای دیگر تهیه کند، بتواند با اتکاء به داخل به تولید انبوه محصول موردنظر بپردازد (ممبینی، ۱۳۹۱: ۱۶). اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش‌شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است.

همچنین این نوع اقتصاد، در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته قرار می‌گیرد. اقتصاد مقاومتی صرفاً مصرف‌کننده باشد، منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصاد سلطه‌ایستادگی می‌کند. اقتصاد مقاومتی به‌عنوان یک راهبرد و برنامه برای مدیریت وضعیت اقتصادی ایران در

شرایطی که تحریم‌هایی علیه ایران وضع شده، مطرح است. اقتصاد ایران یک اقتصاد رانتیر محسوب می‌شود که تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی بر پایه اقتصاد مقاومتی می‌تواند به افزایش تولید ملی و بومی‌سازی تکنولوژی صنعتی و مدرن منجر شود (میلانی، ۱۳۹۱: ۸).

### ۳-۱. هدف اقتصاد مقاومتی:

بازسازی و احیای اقتصاد ملی است. این نوع اقتصاد، مردمی است و از ظرفیت‌های مردم و نخبگان در آن استفاده می‌شود، ضمن اینکه از دانش فنی دنیا هم در آن استفاده می‌شود (رضایی، ۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصادی که با توجه به همه قوت‌ها و ضعف‌های داخلی و خارجی و تهدیدها و فرصت‌های بیرونی سناریوسازی می‌کند و برای هر شرایطی برنامه دارد و محیط‌سنج است و درون و برون را به‌خوبی می‌شناسد و برای تغییرات واکنش مناسبی دارد (حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۹۲: ۵). اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد رقابتی مبتنی بر بازار است. در این الگو بر تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد کشور، افزایش شفافیت، حذف زمینه‌های فسادزا و افزایش مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی تأکید می‌شود. هم‌چنین توجه مؤکد به محورهایی مثل حفظ و تقویت مراودات تجاری و سیاسی با کشورهای دیگر، توجه به تأمین مالی از خارج، منطقی‌سازی اندازه دولت و کاهش سهم درآمدهای نفتی از منابع بودجه لازم و ضروری است. در مجموع اقتصاد مقاومتی مبتنی بر بازار است و در این راستا سیاست‌های سنجیده در چارچوب نظریه‌های علم اقتصاد به‌صورت هماهنگ باید به‌کار گرفته شود. البته این سیاست‌گذاری‌ها با محدودیت‌هایی مواجه است که اقتصاددانان با علم به این محدودیت‌ها باید به بررسی و رشد شاخص‌هایی مانند نرخ رشد تولید، کاهش نرخ تورم و نرخ بیکاری پردازند (بازمحمدی، ۱۳۹۳: ۶). القای تفکر اقتصاد مقاومتی یک تدبیر هوشمندانه است تا مدیران ارشد اقتصادی ایران را از غفلت ایجادشده در بخش اقتصادی برهاند و رشد، توسعه، شکوفایی، تولید ملی و قطع وابستگی اقتصادی را حتی در سخت‌ترین تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی دشمنان به‌بار بیاورد. اقتصاد مقاومتی مکمل جهاد اقتصادی است و سبب امنیت و ثبات در اقتصاد و عدم تزلزل در برابر شوک‌های خارجی اقتصادی می‌باشد.

### مبانی نظری و الگوی تحلیل

الگو و مدل مفهومی پژوهش، به قرار زیر می‌باشد. این الگو به مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت

نرم تأثیرگذار در سه حوزه اجتماعی، فناورانه و اقتصادی در اقتصاد مقاومتی پرداخته است که به تفصیل در ذیل بدان می‌پردازیم.



شکل ۱. الگو و مدل مفهومی پژوهش

## مؤلفه‌های قدرت نرم در اقتصاد مقاومتی

### ۱. عوامل اجتماعی

#### ۱-۱. مردمی‌شدن اقتصاد:

یکی از محورهای مورد تأکید مقام معظم رهبری در تبیین ابعاد و مؤلفه‌های اقتصادی مقاومتی، مردمی‌کردن اقتصاد و توانمندسازی بخش خصوصی برای ایفای نقش محوری در اقتصاد کشور است. خصوصی‌سازی یکی از اجزاء برنامه‌های اصلاحات ساختاری است و فرآیندی است که بر طبق آن مالکیت شرکت‌ها و به‌طور کلی دارایی‌ها از بخش دولتی به بخش خصوصی منتقل می‌شود و این پدیده موجب می‌گردد به کارایی آن بنگاه و یا آن دارایی افزوده شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اهمیت ویژه‌ای را برای فعالیت‌های اقتصادی سالم

مردمی قائل شده است. اصل ۴۴ قانون اساسی با تعریف ساختار حقوقی اقتصاد کشور، فعالیت‌های اقتصادی مردم در زمینه‌های کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات بخش‌های تعاونی و خصوصی کاملاً به رسمیت شناخته است (اصل ۴۴ قانون اساسی). علی‌رغم صراحت و تأکید قانون اساسی بر مردمی بودن اقتصاد، لیکن متأسفانه در عمل این اتفاق رخ نداده است و بیش از ۸۰ درصد اقتصاد کشور به صورت دولتی یا شبه‌دولتی مدیریت می‌شود که از عمده دلایل آن محدودیت‌های اجرایی اصل ۴۴ قانون اساسی، انحصارطلبی مدیران دولتی و نگرانی بی‌مورد آن‌ها از واگذاری شرکت‌های بزرگ، عدم احساس امنیت اقتصادی توسط کارآفرینان و سرمایه‌گذاران خصوصی و غیره است.

مقام معظم رهبری با ایمان به نقش محوری بخش خصوصی در پیشرفت اقتصادی کشور و ضرورت ایجاد امنیت اقتصادی برای مشارکت فراگیر مردم در این مهم، طی فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی، این چنین می‌فرماید: «امروز کشور ما تشنه‌ی فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است. و این همه به فضایی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعت‌گر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده‌ی کار و همه‌ی قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو طرد نشوند، سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال‌طلب همه احساس ناامنی و نومی‌دی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۸۸/۴/۶).

## ۲-۱. حمایت از سرمایه‌گذار و تولید ملی:

یک رکن اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی است؛ حمایت از تولید ملی، آن بخش درون‌زای اقتصاد است که بایستی به آن تکیه کرد. دولت باید با اتخاذ تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های تشویق‌کننده، جامعه را به سمت تولید ملی و مصرف تولیدات داخل سوق دهد. تولید ملی نیازمند حمایت همه‌جانبه در حوزه‌های قانون‌گذاری است (نظرنیا، ۱۳۹۷: ۱۲). اقتصاد مقاومتی درون‌زاست؛ یعنی از ظرفیت‌های خود کشور و خود مردم می‌جوشد. اقتصاد

مقاومتی درون‌گرا نیست؛ بدان معنا نیست که ظرفیت‌های خارجی را در نظر نگیرید و تنها به ظرفیت‌های داخل متکی باشد. اقتصاد مقاومتی برون‌گراست و به سایر نقاط جهان توجه دارد و با آن‌ها تعامل می‌کند و با سایر قدرت‌های اقتصادی با قدرت مواجه می‌شود. الگوی مذکور ضمن تأکید بر نقش عوامل خارجی و داخلی بیان می‌دارد راه پیشرفت و توسعه اقتصاد یک جامعه بر مبنای عوامل درون‌زا و داخلی است.

### ۳-۱. حفظ وحدت و انسجام ملی و کم نمودن تنش اجتماعی:

نظریه‌پردازان علوم اجتماعی مهم‌ترین عامل بقای یک ملت را، اتحاد و انسجام ملی آن‌ها معرفی کرده‌اند. «ابن خلدون» این عامل حیاتی برای بقای جوامع را عصبیت نامید و دلیل اصلی ظهور و سقوط ملت‌ها و تمدن‌ها را قوت و ضعف آن دانست. مطابق نظر جامعه‌شناسان، حتی در ملت‌هایی که یک دشمن قدرتمند خارجی موجودیت آن‌ها را تهدید نمی‌کند، اتحاد و انسجام ملی مهم‌ترین شرط بقا و تداوم حیات است و بدون آن، تجزیه و اضمحلال و فروپاشی در انتظار آن‌هاست (هرمزی‌زاد، ۱۳۸۸: ۲). از همین رو وحدت و انسجام ملی بزرگ‌ترین سرمایه اجتماعی است که حرکت در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی را تسریع می‌کند. تفرقه در این مسیر باعث هدر رفتن نیروها و سرمایه و زایل شدن فرصت‌ها فرصت می‌شود. به همین سبب، حفظ وحدت و انسجام یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها در جهت اقتصاد مقاومتی است. تنش اجتماعی در هر جامعه‌ای وجود دارد و اساساً پویایی و زنده بودن جامعه‌ای در گرو وجود تنش و تضاد اجتماعی درون جامعه است. اما برای رسیدن به یک اقتصاد پویا و مقاومتی در برابر تهدیدات باید از این تنش‌ها کاسته شود تا ریسک‌های احتمالی پایین بیاید. بر این اساس بحث سرمایه اجتماعی مطرح می‌شود. مؤلفه‌های شکل‌گیری سرمایه اجتماعی باید از مشخصاتی برخوردار باشد که تضمین کند کنش‌گران از فرصت برابر برخوردارند تا به صورت هدفمند، از امکان پایدار مشارکت و تولید منفعت جمعی استفاده کنند و از این طریق زمینه‌های شکل‌گیری و رشد اقتصاد مقاومتی فراهم شود.

### ۴-۱. مشارکت فعال:

مفهوم مشارکت در واقع به معنای حضور پرشور و با نشاط مردم در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره است (محرابی، ۱۳۸۷: ۵۷). به عبارتی یکی از مهم‌ترین و

برجسته‌ترین دلیل برقراری وفاق، اقتدار و ارتقای ضریب امنیت ملی، مشارکت در صحنه‌های گوناگون ملی است (شعبانی، ۱۳۸۰: ۱۴). از این منظر مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و سهام شدن در جریان پویا و فعال تولید ثروت و بالندگی اقتصادی جامعه اسلامی، از نشانه‌های رشد اقتصادی در نگرش اسلامی ارزیابی می‌شود. مردمی کردن اقتصاد به معنای تکیه به مردم در فعالیت‌های اقتصادی و به معنای آن است که مردم نقش اصلی را در فعالیت‌های اقتصادی داشته باشند. این امر باعث می‌شود که از تمام استعدادها و ظرفیت‌های مردم در جهت تولید ثروت و دستیابی به قدرت، استقلال و امنیت اقتصادی استفاده شود. طبیعی است زمانی که مردم در اقتصاد کشور مشارکت داده شوند؛ از بروز بسیاری مفسده‌های اقتصادی و رانت‌خواری جلوگیری می‌شود. براساس همین شاخص‌ها مشارکت به عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال توسعه مطرح می‌باشد. به مراتب فقدان مشارکت به معنای شکست برنامه‌های توسعه می‌باشد.

#### ۱-۵. اعتماد عمومی:

شهروندان را به نهادها و سازمان‌هایی که نمایندگان آن‌ها هستند پیوند می‌دهد و از این طریق مشروعیت و اثربخشی دولت دموکراتیک افزایش می‌یابد. هم‌چنین بر این نکته تأکید می‌شود که تنها سطح متوسطی از اعتماد، کارکردی و سازنده است، به این معنی که اعتماد احساسی و افراطی مردم نسبت به دولت و مدیران دولتی، مانع نقد و اصلاح عملکرد آن‌ها می‌شود و کاهش اعتماد عمومی نیز مشروعیت مدیریت دولتی و نظام سیاسی را زیر سؤال خواهد برد (موسوی، ۱۳۹۲).

از آن‌جا که اعتماد اجتماعی، کنش اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه اجتماعی باید به نحوی باشد که اعتماد اجتماعی را تقویت کند، بدین ترتیب فرد باید بتواند به هم‌وطنان و مسئولان جامعه اعتماد کند و احساس اطمینان خاطر از زندگی در جامعه داشته باشد. اعتماد، اساس تعلق اجتماعی بین مردم است و تعلق اجتماعی سبب تعهد و وفاداری می‌شود. عدم اعتماد به نظام سیاسی، موجب کاهش حس تعلق اجتماعی می‌شود. چرا که اعتماد به پشتیبانی مردم از نظام‌های سیاسی منجر خواهد گردید و هم‌چنین فرصت لازم را در اختیار رهبران سیاسی قرار می‌دهد تا به اصلاحات، ارتباطات و گفتگو بپردازند. بدون اعتماد هیچ

کنش متقابل و مطمئنی صورت نخواهد پذیرفت (موسوی، ۱۳۹۲).

در این شرایط، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک متغیر واسطه دارای نقشی است که به‌وسیله نهادهای عمومی و خصوصی شکل گرفته است. اگر اعتمادی بین حکومت و جامعه موجود نباشد، رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی افزایش پیدا می‌کند، مناسبات اجتماعی و اقتصادی پرهزینه می‌شود و بخش بزرگی از انرژی کارآفرینان و نیروهای خلاق در حل و فصل این اصطکاک‌های اجتماعی صرف می‌شود و در نتیجه فرصت برنامه‌ریزی و خلاقیت و تمرکز وجود نخواهد داشت. طرفداران دیدگاه سرمایه اجتماعی معتقدند که با شفافیت و افشای اطلاعات مربوط به سیاست‌ها و افزایش آگاهی شهروندان می‌توان کنش‌گران خصوصی و عمومی مسئولیت‌پذیر و پاسخگو ساخت (نصوحیان، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

#### ۶-۱. شبکه اجتماعی:

باید اذعان نمود که «شبکه اجتماعی» در واقع؛ مجموعه‌ای از الگوهای ارتباطی است که توسط مشارکت‌جویان به‌منظور ایجاد کنش متقابل به‌کار گرفته می‌شود. شبکه‌های اجتماعی غیر از نقش واسطه‌گری و جلب مشارکتی که دارند، ابزار آگاهی‌بخشی نیز هستند. احساس تعلق نسبت به حاکمیت و نظام اجتماعی را نیز از طریق نهادهای اجتماعی و نظام کنش‌گر تقویت می‌کند. در واقع این نهادها با یکدیگر رابطه شبکه‌ای داشته و درهم تنیده‌اند. از این‌رو تحول در یک نهاد، می‌تواند سایر نهادهای اجتماعی را نیز متأثر سازد. در نتیجه، جامعه کلیتی پیوسته است که نمی‌توان آن را تنها به یکی از اجزای سازنده‌اش فروکاست؛ بلکه جامعه و مناسبات موجود در آن، واقعیات پیچیده‌ای هستند که باید در روابط چند جانبه‌ای که باهم دارند، بررسی شوند. رویکرد شبکه‌ای بر الگوی اقتصادی تکیه داشته و ظرفیت‌های موجود در جامعه را برای همراه ساختن ساختارهای نهادی غیررسمی به‌عنوان شاکله اصلی اقتصاد کشور برای بازیابی ساختار نهادی اقتصاد ایران را به‌کار می‌گیرد. در این میان ارتباط دو نهاد سیاست و اقتصاد در تقویت سرمایه اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است که می‌تواند زمینه‌های دستیابی به اقتصاد مقاومتی را بهبود بخشد. از این‌روی می‌توان گفت که رابطه اقتصاد مقاومتی و سرمایه اجتماعی، رابطه‌ای دوسویه و با ارتباطات متقابل فراوان است (گنجی، ۱۳۹۶).

#### ۲. عوامل فناوری

## ۲-۱. توجه به نخبگان و استفاده از فناوری نوین:

نخبه به فرد برجسته و کارآمندی اطلاق می‌شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری‌های نوین مشمول تحریم قرار می‌گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی‌دهند این فناوری‌ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود، می‌توان این فناوری‌ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. میدان دادن به نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی، از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی است و نیز باید شرایط به‌گونه‌ای باشد که نخبگان بدون مانع کارهای خود را پیش برند. آنچه جای نگرانی است، تحریم خارجی نیست بلکه نگرانی در خصوص موانع تولید و تجارت در داخل کشور است که گاهی شدیدتر از تحریم‌ها عمل می‌کند (غفارپور، پورحاتمی، ۱۳۹۳: ۵۲).

## ۲-۲. توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان:

این مؤلفه یکی از ضرورت‌های جامعه در تحقق سیاست اقتصاد مقاومتی است. شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان شرکت یا مؤسسه‌های خصوصی هستند که به‌منظور حمایت از علم و ترویج توسعه اقتصادی دانش‌محور، تحقق اهداف علمی و اقتصادی شامل گسترش و کاربرد اختراع و نوآوری و تجاری‌سازی تحقیق و توسعه شکل گرفته‌اند. منظور از تولید ثروت از دانش در شرکت‌های دانش‌بنیان این است که این شرکت بتوانند با تولید محصول علمی ارزش افزوده آن را هم افزایش دهند تا در دنیای رقابتی از استاندارد لازم برخوردار باشند و مطلوبیت خود را برای مشتریان خود بیشتر کنند. امروزه دانش مهم‌ترین دارایی یک کشور است و سرمایه‌های فکری توسعه و پیشرفت محسوب می‌شوند.

بسیاری از صاحب‌نظران تلاش‌های اصلی در دانش‌بنیان کردن اقتصاد ایران را به برنامه چهارم توسعه نسبت می‌دهند که دانش‌بنیان کردن اقتصاد یکی از محورها و فصول آن فصل توسعه مبتنی بر (داناپی) بوده و از سوی دیگر به طراحی و پیاده‌سازی «نظام ملی نوآوری» اشاره مستقیم کرده است. البته در گزارشی که آنکتاب در مورد سیاست‌های علم، فناوری و نوآوری ایران نوشته است، قانون برنامه چهارم توسعه را جزء موج دوم این سیاست‌ها و در امتداد برنامه



سوم توسعه معرفی کرده و بیان می‌کند: «اولین موج سیاست‌های علم، فناوری و نوآوری در ایران بر توسعه آموزش عالی متمرکز بوده که از سال ۱۳۶۹ آغاز شد، موج دوم بر توسعه پژوهش و فناوری (از جمله فناوری‌های نوظهور و زیرساخت‌های موردنیاز آن‌ها) متمرکز بوده و از حدود سال ۱۳۷۹ آغاز شد. سومین موج هم‌گذار به اقتصاد دانش‌بنیان و مبتنی بر نوآوری را هدف گرفته و از حدود سال ۱۳۸۹ آغاز شده است، رشد فزاینده نیروی کار جوان تحصیل کرده و ماهر که امروزه مهم‌ترین دارایی کشور محسوب می‌شود و نیز افزایش ظرفیت پژوهش از نتایج موج‌های اول و دوم هستند. برای تکمیل موج سوم، این دارایی‌ها باید به‌طور کامل در جهت صنعتی شدن سریع و گذار به اقتصاد دانش‌بنیان مورد بهره‌برداری قرار گیرند (آنکتاد، ۱۳۹۶). به‌رحال از قانون برنامه چهارم توسعه ایجاد نهادهای مختلف نظام ملی نوآوری در کشور شروع شده و رشد چشمگیری داشته است. قانون دیگری که در این حوزه نقش مهمی برعهده داشته «قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان» مصوب سال ۱۳۸۹ است که با تعریف شرکت‌های دانش‌بنیان و تبیین برخی حملیت‌ها از آن‌ها به‌ویژه از طریق «ایجاد صندوق ملی نوآوری و شکوفایی» نقش مهمی در فعالیت‌های دانش‌بنیان کشور ایفا کرده است. البته تا سال ۱۳۹۲ این قانون عملاً معطل بود.

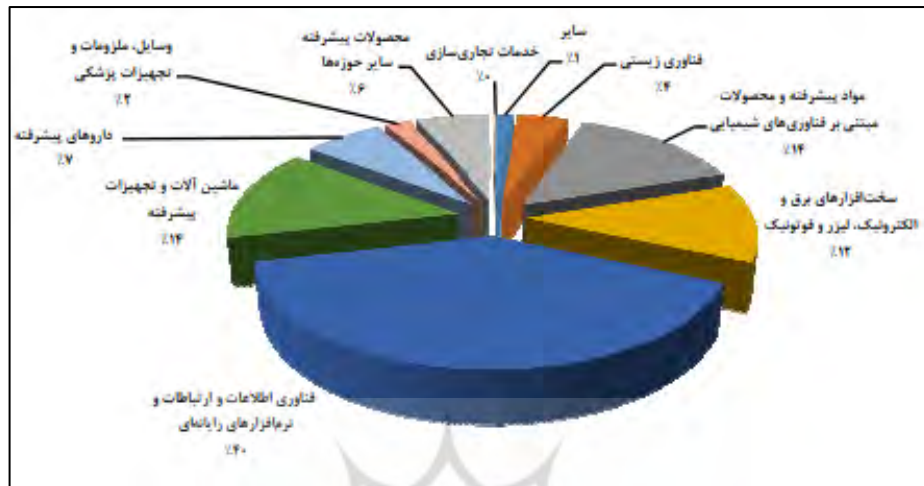
شرکت‌های دانش‌بنیان نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کنند. در حال حاضر بیش از سه هزار شرکت دانش‌بنیان در پارک‌های علم و فناوری کشور ایران فعالیت دارند و با توجه به قانون حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان، تعداد آن‌ها تا برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، باید به ۱۰ هزار شرکت افزایش یابد (نظرینیا، ۱۳۹۷: ۱۴).

جدول ۲. تعداد بنگاه‌های دانش‌بنیان به تفکیک دسته‌بندی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری

تعداد کل شرکت‌های دانش‌بنیان	تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان صنعتی	تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان تولیدی	تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان نوپا
۳۳۵۰	۷۹۳	۸۳۵	۱۷۲۲

منبع: وب سایت رسمی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به نشانی [www.isti.ir](http://www.isti.ir)

نمودار زیر سهم تولید هر یک از بخش‌های مختلف در اقتصاد دانش‌بنیان را نشان می‌دهد:



نمودار ۱. سهم تولید هر یک از بخش‌های مختلف در اقتصاد دانش‌بنیان

منبع: وبسایت رسمی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری به نشانی [www.isti.ir](http://www.isti.ir)

### ۲-۳. توسعه فناوری از طریق تحقیقات بنیادین:

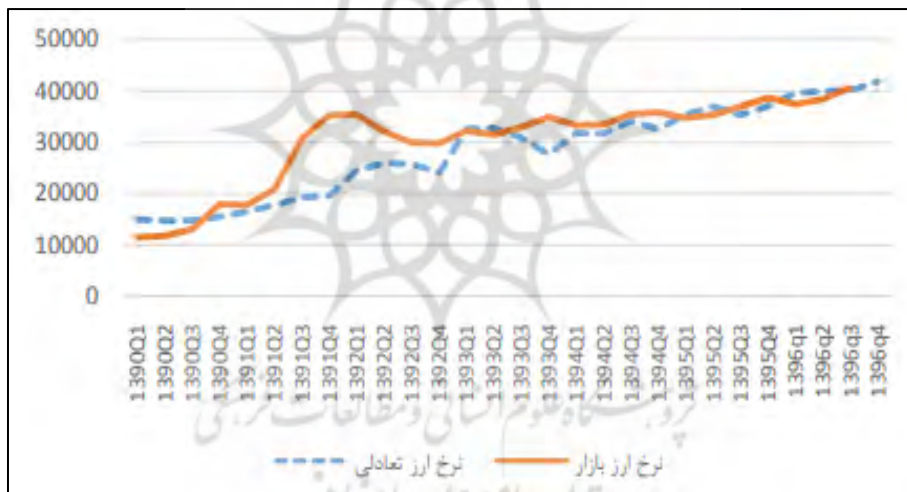
علم و فناوری مقدمه اساسی و بنیادین توسعه پایدار و پیش‌نیاز ضروری پیشرفت و اعتلای کشورهاست؛ هم‌چنین امروزه اصلی‌ترین مؤلفه توانمندی کشورها را می‌توان علم و فناوری دانست که در مقایسه با سایر توانمندی‌ها مانند اقتصاد، توانمندی‌های سیاسی و نظامی، بهره‌مندی از مواهب طبیعی و غیره به مراتب بیشتر در کانون توجه دولت‌ها قرار دارد (افشارنیا و الهیاری‌فرد، ۱۳۸۵: ۲۳). تحقیقات بنیادی و نوین می‌تواند عرصه جدیدی را فراروی ساخت فناوریانه ایجاد کند و با گسترش و تعمیق موارد آن از جنبه ابزارانگارانه و ساخت‌ابزاری به سمت نوعی نگاه نرم به مسائل پیش برود.

### ۳. عوامل اقتصادی

#### ۳-۱. تثبیت نرخ ارز:

یکی از ملزومات تحقق اقتصاد مقاومتی، تثبیت قیمت ارز در بازار است. نوسانات موجود در بازار ارز، زمینه نابسامانی در امر تولید، عرضه و مصرف کالا را فراهم می‌سازد و در یک جمله بازار را دچار اختلال می‌کند. از این‌رو دولت، به‌عنوان اصلی‌ترین مقام تصمیم‌گیری در

سیاست‌های مالی و ارزی کشور، می‌تواند بخش قابل توجهی از نوسانات موجود در بازار ارز را با تدابیر پیشگیرانه و اتخاذ سیاست‌های مناسب به حداقل رسانده تا در آینده، اقتصاد کشور دچار شوک‌های شدید ناشی از اتخاذ تدابیر سطحی و زودگذر نشود. توزیع مناسب و به‌اندازه ارز به بازار، توجه به صنایع و مایحتاج عمومی مردم، در اولویت قرار گرفتن اخذ ارز موردنیاز، تعیین نرخ مرجع مناسب با توجه به شرایط بازار و... می‌تواند بخشی از تدابیر دوراندیشانه دولت در کنترل قیمت و بازار ارز محسوب شود. از این‌رو لازم است، بخش‌های تاثیرگذار بر بازار، با اعتماد به نظرات کارشناسان دلسوز اقتصادی، زمینه را برای تحقق اقتصاد مقاومتی به‌عنوان شاه‌کلید عبور کشتی نظام از حوادث پیش‌روی خود، بیش از پیش فراهم نمایند (یوسف‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۸).



نمودار ۲.

منبع: محاسبات محقق، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و شبکه اطلاع‌رسانی، طلا، سکه و ارز تهران

### ۲-۳. ثبات قیمت:

یکی از زیرساخت‌های اقتصاد مقاومتی که به آن توجه کمتری شده است، مسأله تورم است که بعضاً نحوه بودجه‌ریزی و برخی تصمیم‌گیری‌ها در نظام پولی و مالی موجب تورم‌زایی شده است. تورم در حال حاضر تبدیل به بیماری اقتصادی کشور گردیده و این مسئله باعث شده است

که در عرصه بین‌المللی، صادرات کشور دچار مشکل شود و در طرف مقابل واردات افزایش پیدا کند و دلیل آن بالا بودن قیمت کالاها در داخل کشور است. اقتصاد در شرایط تورمی بازدهی ندارد و به موجب آن تولید داخل افزایش پیدا نمی‌کند و بیکاری افزایش می‌یابد و در نتیجه، بالا رفتن نرخ بیکاری در جامعه و افزایش مفاسد اجتماعی، متعاقباً هزینه‌های اجتماعی و سیاسی و امنیتی کشور افزایش یافته و این مسئله کشور را از تحقق اقتصاد مقاومتی دور خواهد کرد (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳: ۳۶).

### ۳-۳. کاهش وابستگی به نفت:

در برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران یکی از جهت‌گیری‌های اصلی در بودجه‌های سالانه، تجهیز منابع درآمدی دولت به منظور دست‌یابی به هدف اقتصاد بدون نفت تعیین شده بود ولی طی این برنامه نه تنها از سهم درآمدهای نفتی در اقتصاد کشور کاسته نشد بلکه این سهم رشد قابل توجهی هم پیدا کرد. به رغم اهداف برنامه‌های توسعه، تکیه بر ارز نفتی بیشتر شده و در سال‌های اخیر به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. اکثر فروش نفت کشور ایران به صورت خام و با قیمت پایینی می‌باشد، در حالی که کشورهای صنعتی با توجه به فناوری‌های پیچیده و روز دنیا، از هر بشکه نفت خام حداقل ۱۰۰ دلار و حداکثر ۱۱۶۹ دلار بهره‌برداری می‌کنند. افزایش سهم نفت در بودجه سالانه دولت ایران، مخالف جهت سیاست‌های کلی نظام و قانون برنامه پنجم توسعه در قطع وابستگی به نفت می‌باشد (نظرینیا، ۱۳۹۷: ۱۳).

به هر حال با توجه به وضعیت چند سال اخیر و وجود تحریم‌های ظالمانه در بخش صادرات نفتی در شرایط اضطرار دولت از بودجه نفتی کاسته و به سمت و سوی صادرات فرآورده‌های غیرنفتی سوق پیدا کرده است و شاید راهی جز این هم در این چارچوب و قالب محدودیت نداشته است. که نمودارهای پایین به خوبی مبین این مسأله هستند. که در طول سال‌های اخیر درآمدهای نفتی و یا به عبارتی صادرات نفتی کاهش یافته و مواد و فرآورده‌های غیرنفتی رشد متناسب را در پیش گرفته است.

جدول ۳.

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
نفت خام	۶۴/۵۰	۵۵/۴۰	۳۳/۵۷	۵۵/۷۵	۶۵/۸۱
فرآورده‌های غیرنفتی	۲۸/۳۷	۳۳/۵۷	۳۱/۰۳	۲۸/۲۲	۳۲/۳۲

سال	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
تراز تجاری	۲۹/۰۲	۱۸/۰۷	۱۲/۲۰	۲۰/۸۴	۲۲/۵۹

منبع: بانک مرکزی ایران: نماگرهای اقتصادی (واحدها برحسب میلیارد دلار در سال است)

توسعه صادرات غیرنفتی یکی از اصلی‌ترین برنامه‌ها و استراتژی‌های اقتصادی کشور در مسیر خروج از اقتصاد تک‌محصولی است که لزوم دسترسی به بازارهای خارجی و حمایت از تولید داخلی برای امکان رقابت در فضای بین‌المللی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. این امر نیز مستلزم اتخاذ سیاست‌های بلندمدت و ساختاری در فضای با ثبات اقتصادی و سیاسی است، هر چند اقدامات کوتاه‌مدت نیز در کنار سیاست‌های اقتصادی بلندمدت باید مدنظر قرارگیرد.

جدول ۴. نسبت‌های صادرات و واردات طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۸

سال	نسبت صادرات غیرنفتی به واردات (بدون میعانت گازی)	نسبت صادرات غیرنفتی به واردات (با میعانت گازی)	نسبت صادرات غیرنفتی به واردات (بدون میعانت گازی)	نسبت صادرات غیرنفتی به واردات (با میعانت گازی)
۱۳۸۴	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۲۸	۳/۵۹
۱۳۸۵	۰/۳۱	۰/۴۰	۰/۳۱	۲/۵۰
۱۳۸۶	۰/۳۲	۰/۴۳	۰/۳۲	۲/۲۹
۱۳۸۷	۰/۳۳	۰/۴۱	۰/۳۳	۲/۴۱
۱۳۸۸	۰/۳۹	۰/۴۶	۰/۳۹	۲/۱۶
۱۳۸۹	۰/۴۱	۰/۵۱	۰/۴۱	۱/۹۷
۱۳۹۰	۰/۵۵	۰/۷۱	۰/۵۵	۱/۴۱
۱۳۹۱	۰/۶۱	۰/۷۸	۰/۶۱	۱/۲۹
۱۳۹۲	۰/۶۴	۰/۸۴	۰/۶۴	۱/۱۹
۱۳۹۳	۰/۶۸	۰/۹۵	۰/۶۸	۱/۰۵
۱۳۹۴	۰/۸۶	۱/۰۲	۰/۸۶	۰/۹۸
۱۳۹۵	۰/۸۴	۱/۰۱	۰/۸۴	۰/۹۹
۱۳۹۶	۰/۷۳	۰/۸۶	۰/۷۳	۱/۱۶
۱۳۹۷	۰/۹۲	۱/۰۴	۰/۹۲	۰/۹۶
۱۳۹۸	۰/۹۴	۱/۰۹	۰/۹۴	۰/۹۲

منبع: سیستم TIS براساس آمار مقدماتی گمرک ج.ا.ایران

#### ۳-۴. اصلاح ساختار دولتی:

با وجودی که سال‌هاست در محافل مدیریتی سخن از محدود کردن تشکیلات دولتی در تمام عرصه‌های اقتصادی، تولیدی و اجرایی می‌شود اما این گسترده‌گی هم‌چنان رو به فزونی است. دولت اگر چه بزرگ‌ترین مجری در سطح کلان جامعه است، اما این بزرگی به جای انجام نظارت و هدایت کارها با در اختیار گرفتن منابع مادی و نیروی انسانی فراوان در چرخه اقتصاد و تولید به اداره این منابع می‌پردازد. تا آن‌جا که امروز خود را با تشکیلات عدیده‌ای رویه‌رو ساخته است. این در حالی است که با واگذار کردن بسیاری از کارهای اجرایی در اختیار بخش خصوصی از یک‌سو می‌تواند از حجم مشغله و تورم کارهای اجرایی خود بکاهد و از سوی دیگر به افزایش رضایت‌مندی مشتریان و انتظارات نیروهای انسانی خود و نیز افزایش کیفیت خدمات در سطح خرد و کلان کمک شایانی کند. تجربه کشورهایی که موفق به کوچک‌سازی بخش تشکیلاتی دولت‌های خود شده‌اند، نشان می‌دهد که این کشورها به نتایج بسیار ارزنده‌ای از نظر اجرای با کیفیت کارهای کلان خود دست یافته‌اند. به نظر می‌رسد نقش پررنگ دولت نیز در اداره کارها باید کاهش یابد و به جای آن روند نظارت بر کارها و هدایت امور توسط دولت توسعه یابد. دولت به‌عنوان ارکان اجرایی و تصمیم‌ساز، که ابزارهای لازم اقتصادی را در اختیار دارد، می‌تواند حرکات کیفی تری را در تمام عرصه‌ها از خود نشان دهد.

#### ۳-۵. مبارزه با فساد و تضمین شفافیت:

طبق گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۱۷ رتبه ایران در بین ۱۸۰ کشور در شاخص «ادراک از فساد (CPI)» مورد بررسی ۱۳۰ و امتیاز ۳۰ از ۱۰۰ بوده است. متأسفانه این داده‌ها نشان از این مسأله است که وضعیت فساد در کشور در شرایط چندان مناسبی قرار ندارد (منظور و عباسی کلاش، ۱۳۹۸: ۸۷). امروزه شیوه‌های مبارزه با فساد نیازمند بروزرسانی هستند. یکی از دقیق‌ترین و مهم‌ترین راه‌حل‌ها شفافیت و پاسخگویی است و هم‌چنین یکی از اصول حاکم بر "حکمرانی خوب" اصل شفافیت است، در ضمن بر این اصل تمام تصمیمات متأثر می‌شوند. شفافیت به‌عنوان ابزار پاسخگویی مقامات، مانع فساد و از عوامل پیشرفت و توسعه است (ناعمه، ۱۳۹۰). شفافیت در واقع همان ارائه اطلاعات حکومتی در قالبی استاندارد به مردم

است، امکان نظارت عمومی و پاسخگویی مسئولان را فراهم می‌کند و راهبرد مؤثری در مقابله با فساد است. شفافیت بودجه دولتی و شفافیت اموال و دارایی مسئولان به‌طور خاص نقش مهمی در کاهش فساد ایفا می‌کند (منظور و عباسی کلاش، ۱۳۹۸: ۸۷). در جدول زیر شاخص شفافیت و مبارزه با فساد در ایران از سوی سازمان شفافیت بین‌الملل و کنوانسیون مبارزه با فساد نشان داده شده است.

جدول ۶. مبارزه با فساد و تضمین شفافیت

شاخص	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
آزادی از فساد	۲۷٪	۲۵٪	۲۳٪	۱۸٪	۲۲٪	۲۷٪	۲۵٪	۲۷٪	۳۱٪	۲۷٪	۳۱٪

#### INDEX OF ECONOMIC FREEDOM OF Iran (۲۰۰۸-۲۰۱۸)

به‌طور کلی شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات نقش مهمی در پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی دارد و برای تحقق این امر راهکارهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

«وجود شفافیت در ابعاد مختلف به‌ویژه شفافیت در عملیات دولتی، ساده‌سازی قوانین و شفاف نمودن رویه‌ها، قوانین باید به‌نحوی تدوین شوند که از هر نوع پنهان‌کاری جلوگیری نموده و زمینه انجام فعالیت‌ها به‌شکل شفافیت را فراهم نمایند، آزادی در اطلاع‌رسانی که شهروندان از رویه‌های گوناگون مربوط به خدمات دولتی آگاه می‌شوند، تقویت نظارت اجتماعی و رسانه‌های آزاد و هم‌چنین بالا بردن ظرفیت پاسخگویی دستگاه‌های دولتی عامل مهمی در جهت پیشگیری و مبارزه با فساد به‌شمار می‌رود، آگاهی‌بخشی به مردم در مورد حقوق و تکالیف متقابل آنان و دولت، اشاعه مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی دستگاه‌های دولتی، تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی عمومی در مدارس و دانشگاه‌ها، تضمین آزادی در دریافت و انتشار اطلاعات مربوط به فساد است، ارتقای مشارکت عمومی در روند تصمیم‌گیری، تضمین دسترسی مؤثر عمومی به اطلاعات و افزایش آگاهی‌های عمومی درباره خطرات و عواقب فساد، فراهم آوردن زمینه فعالیت هرچه بیشتر نهادهای غیردولتی توسط دولت، شفافیت عملکرد مالی از طریق گزارش‌دهی دستگاه‌های دولتی، گسترش دولت الکترونیک، شفاف‌سازی وظایف، اختیارات و نحوه انجام امور واحدها و دستگاه‌های اجرایی، شهروندان باید بدانند که چه

انتظاری از دولت‌هایشان باید داشته باشند و این امر به کنترل دولت کمک می‌کند. حاکمیت قانون بر عملکرد همه دستگاه‌ها و تعامل بین آن‌ها و خدمت‌گیرندگان، پاسخگویی بدون تبعیض همه دستگاه‌ها به درخواست خدمات مراجعین، نهادینه شدن حساب‌دهی مدیریت در همه سطوح مدیریتی دستگاه‌ها، افزایش بهره‌وری و میزان اثربخشی و کارایی دستگاه‌ها، ایجاد تقویت مستمر توان اداری و مردمی پیشگیری از وقوع فساد، شناسایی و اقدام قانونی در قبال مرتکبین فساد با همکاری دستگاه قضایی، الزام دستگاه‌ها بر اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و انعکاس نتایج همکاری دستگاه‌ها از طریق رسانه‌های جمعی، انسجام و تمرکز در برنامه‌ریزی مبارزه با مفاسد اقتصادی، تقویت کار گروهی در سازمان‌ها و جلوگیری از فردگرایی، ارتقاء سطح آموزش کارکنان دولت، رفع تبعیض و فساد می‌تواند موجب افزایش اعتماد اجتماعی، تقویت هنجارهای اجتماعی، احترام به قانون و کاهش انگیزه ارتکاب اعمال مجرمانه و فسادآمیز در شهروندان شود» (لطفی، ۱۳۹۸).

### نتیجه‌گیری

منظور از اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد فعال و پویا می‌باشد؛ نه یک اقتصاد منفعل و بسته؛ چنان‌که مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و سعی و تلاش در مسیر حرکت به سمت جلو تعریف می‌شود. به عبارت دیگر اقتصاد مقاومتی در تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده قرار می‌گیرد؛ بنابراین منفعل نیست و در مقابل اهداف اقتصادی سلطه‌ایستادگی می‌کند و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن براساس جهان‌بینی و اهداف دارد. فضای کلی اقتصاد مقاومتی بر این اساس است که حرکت با شیئی مناسب و به صورت مستمر صورت گیرد و اقتصاد کشور تحت تأثیر نوسانات نامناسب داخلی و خارجی قرار نگیرد. یکی از ارکان مهم سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که توجه ویژه‌ای به آن شده است، صادرات می‌باشد و از آن‌جا که اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی وابسته است، کاهش این درآمدها می‌تواند به اقتصاد کشور ضربه وارد کند. در چنین شرایطی یکی از راهکارها این است که صادرات غیرنفتی افزایش یابد. در واقع تحریم‌ها فرصت مناسبی هستند که به جای خام‌فروشی اکثر محصولات و کالاها، محصولات نهایی تولید و ضمن ایجاد ارزش افزوده و تأمین نیازهای داخلی در این عرصه، به صادرات در بازارهای جهانی پرداخته شود. نگاهی به وضعیت تجارت خارجی کشور



در ۷ ماه گذشته نشان از اهمیت توسعه صادرات غیرنفتی دارد به‌ویژه آنکه در شرایط فعلی با وجود محدودیت‌ها و تأکید مقام معظم رهبری بر اقتصاد مقاومتی لزوم برنامه‌ریزی برای توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی بیش از پیش احساس می‌شود.

### منابع

- افضالی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ دشتی، محمدحسین. (۱۳۹۷). «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان»، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۸، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۲۱.
- افشارنیا، سعید و الهیاری‌فرد، نجف. (۱۳۸۵). «تبیین جایگاه علم و فناوری (بررسی وضعیت ایران و مقایسه آن با سایر کشورها) پیش‌نیاز اساسی تدوین استراتژی و ترسیم مسیر رشد و بهبود نظام علم و فناوری»، تهران: کنفرانس بین‌المللی استراتژی‌ها و تکنیک‌های حل مسئله.
- انعامی علمداری، سهراب. (۱۳۸۷). «تهدیدات نرم با الگوی تقابل استراتژیک ایالات متحده در برابر ایران»، فصل‌نامه تخصصی گزارش جمهور، شماره ۲۶ و ۲۷، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
- اخوان، پیمان؛ ایمانی، ساناز و نبی‌زاده، معصومه. (۱۳۹۵). «تبیین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در کشور با بهره‌گیری از روش دیمتل - آی. اس. ام فازی»، فصل‌نامه راهبرد دفاعی، شماره ۵۳.
- احمدی، علی و همکاران. (۱۳۹۱). «فلسفه، ضرورت و راهبردهای اصلی اقتصاد مقاومتی»، همایش اقتصاد مقاومتی دانشگاه علم و صنعت.
- افتخاری، اصغر و همکاران. (۱۳۸۷). «قدرت نرم و سرمایه اجتماعی»، چاپ اول. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بازمحمدی، حسین. (۱۳۹۳). «رقابت رکن اصلی اقتصاد مقاومتی است»، به آدرس: [www.ehavadar.ir/index.php38833](http://www.ehavadar.ir/index.php38833).
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و همکاران. (۱۳۹۰). «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۶۱.
- حسین‌زاده بحرینی، محمد حسین. (۱۳۹۲). «اقتصاد مقاومتی راهکاری برای توسعه»، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای اقتصاد مقاومتی و حمایت از سرمایه ایرانی، نشریه مشکوه، شماره ۱۱۸.
- حقیقی، آتش‌پور. (۱۳۹۶). «جایگاه قدرت نرم در سیاست‌گذاری عمومی ایران»، مطالعه موردی اقتصاد مقاومتی، نخستین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در مدیریت و اقتصاد ملی.
- حیدری، منصور و قربی، سید محمدجواد. (۱۳۹۵). «پژوهشی در معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه سیاست دفاعی، دوره بیست و پنجم، شماره ۵.

- جاکووالس، کالوی. (۱۳۷۳). «مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل» ترجمه بهرام مستقیم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- بخش میدانی، علیرضا؛ جمشیدیان، هادی. (۱۳۹۵). «راهبردهای قدرت نرم اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران در تقابل با جنگ نرم استکبار»، دوره ۱۴، شماره ۶۳، شماره پیاپی ۶۳
- رضایی، نادر. (۱۳۹۸). «بررسی نقش تعیین‌کنندگی عناصر هویت ایرانی اسلامی به‌عنوان قدرت نرم در کسب اهداف اقتصاد مقاومتی»، دومین کنفرانس ملی پدافند سایبری.
- سیف، الله مراد؛ افتخاری، اصغر؛ عزتی، مرتضی؛ رضایی؛ محمدتقی. (۱۳۹۲). «مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی: توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد»، فصل‌نامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره ۵۸.
- سمیعی‌نسب، مصطفی (۱۳۹۳). «دیپلماسی اقتصادی، راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی»، فصل‌نامه آفاق امنیت، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۱۴۷-۱۱۵.
- شعبانی، محمدرضا. (۱۳۸۰). «نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران»، پایان‌نامه دکتری رشته مدیریت، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران.
- فشاری، مجید؛ پورغفار، جواد (۱۳۹۳). «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران»، مجله اقتصادی، دوره ۵، شماره ۵ و ۶، صص ۴۰-۲۹.
- قربی، سید محمدجواد و جعفری، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). «منابع قدرت نرم در سیاست‌های کلی نظام: موردکاوی سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۱۹، صص ۴۴-۷.
- گالبرایت، جان کنت. (۱۳۷۱). «آنا تومی قدرت»، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: انتشارات سروش.
- گنجی، مقداد. (۱۳۹۶). «زمینه‌های اجتماعی تحقق اقتصاد مقاومتی»، نشریه الکترونیکی فراتاب، به آدرس: <http://www.faratab.com/news/۶۱۰۲/%D۸%B۲%D۹%۸۵%DB%۸C%D۹%۸۶%D۹%۸۷>.
- لطفی، بهروز. (۱۳۹۸). «نقش شفافیت و دسترسی آزاد به اطلاعات در پیشگیری و مبارزه با فساد اقتصادی»، طرح پژوهشی، مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه.
- محرابی، علیرضا. (۱۳۸۷). «بررسی و تبیین و مبانی مؤلفه‌های انسجام ملی»، تهران: پژوهشکده تحقیقات ملی.
- ممبینی، یعقوب. (۱۳۹۱). «مؤلفه‌ها و شاخص‌های اقتصاد مقاومتی»، همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، رشت، دانشگاه گیلان.
- منظور، داود و عباسی کلاش، مصطفی. (۱۳۹۸). «نقش شفافیت در کاهش تعارض منافع و مقابله با فساد»، فصل‌نامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۰۳-۸۷.
- موسوی، سید یونس. (۱۳۹۲). «بررسی پاسخگویی مدیران دولتی در نظام اداری با رویکرد اسلامی با تأکید بر افغانستان»، دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه.

- میلانی، جمیل. (۱۳۹۴). «اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالش‌های تحقق آن»، مجله اقتصادی، سال پانزدهم، شماره ۷ و ۸.
- ناعمه، حسن. (۱۳۹۰). «شفافیت و مبارزه با فساد در انعقاد قراردادهای اداری ایران»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، دوره چهاردهم، ویژه‌نامه شماره ۴.
- نای، جوزف. (۱۳۸۹). «آموزش عالی، فرهنگ عامه و قدرت نرم»، ترجمه محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق. (۱۳۹۰). «آینده قدرت»، ترجمه سید رضا مراد صحرایی، تهران: نشر حروفیه.
- (۱۳۸۷). «قدرت نرم در عصر اطلاعات»، ترجمه سعید میرترابی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- (۱۳۸۴). «مزایای قدرت نرم»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۶.
- (۱۳۸۷). «رهبری و قدرت هوشمند»، ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه و الهام شوشتری‌زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- نصوحیان، محمد مهدی. (۱۳۸۷). «نقش اعتماد متقابل حکومت و مردم در روند توسعه سیاسی»، فصل‌نامه راهبرد توسعه، شماره ۱.
- نظرنیا، محمود. (۱۳۹۷). «اقتصاد مقاومتی: استراتژی عبور از تحریم»، اولین همایش ملی مدیریت، اقتصاد و اقتصاد مقاومتی.
- هرسیج، حسین و تویسرکانی، مجتبی. (۱۳۸۹). «تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۹.
- هرمزی‌زاد، علی. (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر انسجام ملی»، فصل‌نامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۲.
- یوسف‌زاده، محسن. (۱۳۹۴). «اقتصاد مقاومتی رویکرد مقابله با تحریم»، همایش ملی اقتصاد مقاومتی چالش‌ها، واقعیت‌ها، راهکارها، دانشگاه رازی، ۱۵ و ۱۶ اردیبهشت.
- یوسفی، جعفر. (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی قدرت نرم در گفتمان اسلامی و لیبرال دموکراسی»، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات بسیج.
- یوسفی، محمدقلی. (۱۳۸۹). «فساد و توسعه»، فصل‌نامه جامعه و اقتصاد، سال هفتم، شماره ۲۵ و ۲۶.
- Gill, Bates & Huang, Yanzhong (۲۰۰۶). Sources and Limits of Chinese Soft Power. Survival. Vol. ۴۸, No. ۲. Pp. ۱۷-۳۶.
- Nye, Joseph. S (۱۹۹۰a). Bound To Lead: The Changing Nature of American Power, Basic Books.
- Nye, Joseph. S (۱۹۹۰b). Misleading Metaphor of Decline, the Atlantic, March.
- Nye, Joseph. S (۲۰۰۴). Soft Power: The Means to Success in World Politics, New York: Public Affairs.
- Nye, Joseph. S (۱۹۹۰c). Soft Power, Foreign Policy, No. ۸۰, Twentieth Anniversary, Washingtonpos, Newsweek Interactive, LLC, Autumn, P. ۱۵۳-۱۷۱.
- Spykman, Nicholas, J. (۱۹۴۲). Americans Strategy in World Politics. N.y: Harcourt.



## Components of Soft Power in the Model of Resistance Economy

Farzaneh Dashti , Seyyed Samer Pour Danesh , Hadis Bagheri Nia  
Mohammad Bagher Mokarrami Pour

Resistance economy is a concept that seeks to strengthen, de-crisis and reform the old structures and organizations and the inefficiency of the existing economy, which certainly requires and depends on the dynamic presence and active participation of the public and management practices. Is engineered and efficient. A resistance economy seeks independence, an emphasis on the opportunities and benefits of domestic production, and economic independence and self-sufficiency. Leading research seeks to conceptualize soft power in the model of resistance economics. The research method used in this research is descriptive-analytical and library and documentary methods have been used to collect data. Also, the main question of this research is; "What are the indicators and components of soft power in the model of resistance economy to overcome economic problems and disorders in both domestic and international arenas?". Findings show that the most important components of the soft power of a resistance economy in terms of economic factors (exchange rate stabilization, price stability, reducing dependence on oil revenues, ensuring transparency, economic jihad), social factors (popular) Building the economy, reducing social tensions, supporting the entrepreneur and investor), technological factors (supporting knowledge-based companies, use and utilization of new technologies, and development of knowledge-based research).

**Keywords:** *Resistance Economy, Soft Power, Economic Sanctions, Transparency, Technology.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

Corresponding Author: PH.D in Political Sciences, Payame Noor University, Abadan, Iran  
PH.D Candidate in the Islamic Revolutionary Political Sciences, Shahed University, Tehran, Iran  
PH.D Candidate in the Islamic Revolutionary Political Sciences, Shahed University, Tehran, Iran  
PH.D Candidate in the Islamic Revolutionary Political Sciences, Shahed University, Tehran, Iran